

چرا نفی پر سیم؟

خلیل الرحمن خباب



چرا نمی پرسیم؟

خادم الاسلام
خلیل الرحمن خباب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان : چرا نمی‌پرسیم؟

نویسنده : خلیل الرحمن خباب

تاریخ انتشار : بهار ۱۴۰۱

ایجاد هر نوع تغییر بدون اجازه نویسنده،
مجاز نمی‌باشد و خیانت محسوب می‌گردد!

ارتباط با نویسنده:

وبلاگ: khademulislam.blog.ir

تلگرام: [@Khademulislam](https://t.me/Khademulislam)

واتساپ و ایمو: [+93702837300](https://wa.me/93702837300)



لینک‌های مفید اسلامی:

وبسایت سنت دانلود: <http://www.SunnatDL.com>

تلگرام مرکز هدایت؛ رد اسلام‌ستیزان: [@Hedayat1442](https://t.me/Hedayat1442)

تلگرام کتابخانهٔ اقراء: [@iqraaLib](https://t.me/iqraaLib)

تلگرام دارالافتاء مجازی اهل سنت: [@Canale_pasokh](https://t.me/Canale_pasokh)

یکی از دوستانم تعریف می‌کرد:

مرد میان‌سالی هرروز به دیدن استادم می‌آمد و لحظات طولانی با استادم می‌نشست و گفت‌وگو می‌کرد.

گاهی، وقت نماز فرا می‌رسید، استادم می‌گفت: شما همین‌جا باشید، من چهاراندام می‌کنم و برمی‌گردم.

استاد می‌رفت و وضو گرفته برمی‌گشت.

یک روز آن مرد آمد و پس از اینکه رفع حاجت کرد، نزد ما آمد و آب وضو خواست.

ما به او آب دادیم و او همین‌که آب را گرفت، شروع کرد؛ دست‌ها، صورت و پاهایش را شست و سرش را مسح کرد و روانهٔ مسجد شد.

پرسیدیم: این چگونه وضو گرفتن است؟

در جواب گفت: من از استاد یاد گرفتم و چهاراندام کردم.

منظور آن عالم از چهاراندام، وضو گرفتن کامل بود و می‌خواست به گونه‌ای مخاطبش را متوجه کند که من زود برمی‌گردم؛ اما آن

مرد گمان می‌کرد که چهاراندام یعنی شستن و اکتفا کردن به همین چهاراندام مزبور است.

شاید او مدت‌ها همین‌گونه وضو گرفته و نماز خوانده و حتی یک‌بار هم نخواستہ در این مورد از کسی یا همان الگوی خود پرسد. متأسفانه یکی از مشکلات بزرگی که امروزه در جوامع ما وجود دارد، سکوت مردم و دقیق بیان نکردن دین توسط علما است.

امروزه اگر به مساجد برویم و نگاهی به نمازگزاران بیندازیم، با صحنه‌هایی روبه‌رو می‌شویم که نبض انسان سوت می‌کشد.

نماز که رکن اساسی اسلام و نماد مسلمانی است را بلد نیستند؛ نه رکوع درستی انجام می‌دهند و نه سجده صحیحی، هنوز امام از رکوع بلند نشده، می‌بینیم که به سجده رسیدند و هزاران مسایل دینی و شرعی دیگر که هیچ‌گاه از کسی نمی‌پرسند.

از سوی دیگر هم عده‌ای با عمامه سفید و شکم‌های بزرگ ادعای عالم‌بودن را می‌کنند و در گوشه‌ای نشسته‌اند و در مورد مسایل شرعی چیزی نمی‌گویند و انتظار دارند که مردم نزد آن‌ها بیایند،

یا حتی اگر چیزی بگویند، چنان مبهم و پیچیده است که خودشان دانند و خدا.

خواهری پیام داد و پرسید: حکم نزدیکی مرد از راه عقب با همسرش چیست؟

گفتم: حرام است و رسول الله ﷺ چنین افرادی را لعنت کرده‌اند.
گفت: وای بر من و شوهرم! من بارها به او گفتم که این کار اشتباه است؛ اما او توجهی نکرد و گفت: من شنیدم که خداوند فرموده: زنان مانند کشت‌زار هستند؛ پس از هر طرف بیایم، اشکالی ندارد.
من سخنرانی یکی از علما در مورد این آیه را فرستادم.

پس از چندروزی با دنیایی از شادی و خوشحالی پیام داد و تشکری کرد که الحمدلله شوهرم پذیرفت و توبه کرد.
متأسفانه امروزه مشکلاتی مانند این به کرات اتفاق می‌افتد.
ضرب‌المثل مشهوری است:

«پرسیدن عیب نیست؛ ندانستن عیب است.»

چرا ما عادت کرده‌ایم که فقط طبق خواسته‌های خود زندگی کنیم؟

چرا در مورد امور زندگی و دینی مان از اهل علم نمی‌پرسیم؟

چرا باید از پرسیدن سؤالات شرعی خجالت بکشیم؟

ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها حتی مسایل خصوصی خودش با رسول الله صلی الله علیه و آله

را به خاطر تعلیم و اصلاح امت بیان فرمود.

همچنین در مورد زنان انصار رضی الله عنهن می‌فرماید:

«نِعْمَ النِّسَاءُ نِسَاءُ الْأَنْصَارِ لَمْ يَكُنْ يَمْنَعُهُنَّ الْحَيَاءُ أَنْ يَتَفَقَّهْنَ فِي الدِّينِ».

[صحیح مسلم: ۳۳۲]

«بهترین زنان، زنان انصار هستند که شرم و حیا آن‌ها را از آموختن

دین باز نمی‌دارد».

امروزه مردم، بسیاری از کارهای زشت و ناروا را انجام می‌دهند،

وقتی تذکر دهیم یا پرسیم که چرا چنین می‌کنید؟

می‌گویند: ما نمی‌دانستیم که این گناه است یا مشکل شرعی دارد.

در امور دنیا خیلی حساسیم و اگر وسیله‌ای لازم داشتیم، چندین

دکان و مغازه را می‌گردیم و از چندین نفر مشوره می‌گیریم و

نظریه‌خواهی می‌کنیم و پس از کلی چانه‌زنی می‌خریم؛ اما در

مسائل دینی هیچ توجهی نداریم و بدون چون و چرا هر چه دل‌مان خواست را انجام می‌دهیم و به خود زحمت پرسیدن از اهل علم را نمی‌دهیم؛ در حالی که الله متعال ما را دستور داده می‌فرماید:

﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۴۳]

«اگر نمی‌دانید، از آگاهان پرسید».

همچنین می‌فرماید:

﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ﴾ [النساء: ۸۳]

«و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آن‌ها برسد، (بدون تحقیق)، آن را شایع می‌سازند؛ در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان - که قدرت تشخیص کافی دارند - بازگردانند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد».

مردی در زمان رسول الله ﷺ در سفری سرش جراحت برداشت؛ سپس احتلام شد و به غسل نیاز پیدا کرد. از همراهانش پرسید که آیا او تیمم بزند یا غسل کند؟ برخی از آن‌ها فتوای غسل را دادند؛ او با جراحتی که داشت، غسل کرد و سرانجام جان سپرد.

وقتی این ماجرا به رسول الله ﷺ خبر داده شد، آن حضرت فرمودند:
 «قَتَلُوهُ قَتَلَهُمُ اللَّهُ أَلَا سَأَلُوا إِذْ لَمْ يَعْلَمُوا فَاِنَّهَا شِفَاءُ الْعِيِّ السُّؤَالُ...».

[سنن أبی‌داود: ۳۳۶]

«او را کشتند، خدا آن‌ها را بکشد. چرا وقتی نمی‌دانستند، نپرسیدند؟
 همانا درمان کوری جهالت و نادانی پرسیدن است.».

بر هر مسلمان واجب و لازم است که از مسایل اولیه و مهم دین
 اسلام آگاه باشد و بر آن عمل کند.

مسلمانی که نداند وضو چگونه گرفته می‌شود و نماز چگونه ادا
 می‌گردد، چگونه می‌تواند مسلمان بودن خود را ثابت کند؟

آیا فقط با کلمه خواندن ادعای مسلمانی می‌کند؟

برخی بهانه می‌آورند و ادعا می‌کنند که ما دنبال روزی حلال و
 مخارج خانواده هستیم؛ برای همین نمی‌توانیم در مورد دین چیزی
 بیاموزیم. همچنین کسب حلال هم فرض است؛ پس اشکالی
 ندارد که از امور دیگر به خاطر این فرض غافل باشیم.

باید گفت: درست است که کسب روزی حلال کار نیکی است و در حدیث فرض گفته شده؛ اما در حدیث به صراحت بیان شده که کسب روزی حلال، فرض پس از فرض است.

نخست باید فرایض مهم و بزرگ انجام گیرد، سپس به فرض پس از فرض پرداخته شود.

یا واضح‌تر بیان کنم: انسانی که نمازهای پنج‌گانه را نمی‌خواند، فایده‌اش چیست که شب را تا صبح به تهجد پردازد.

همچنین آگاهی داشتن از دین بدین معنا نیست که شخص تمام کارهای زندگی‌اش را کنار گذارد و به درس و تعلیم پردازد و به اصطلاح امروزی همه مولوی شوند؛ بلکه همان‌طور که گفتیم، یک مسلمان باید حداقل از مسایل اولیه و مهمی؛ چون وضو گرفتن، نماز خواندن، روزه گرفتن و... آگاهی داشته باشد و اگر نداند باید از اهل علم و اهل نظر پرسد.

چون ندانی پرس از علما تا بگویندت برای خدا

◆ آداب پرسیدن:

رعایت آداب در تمام امور زندگی، یکی از ویژگی‌های بارز یک مسلمان است.

استفتا، استبصار و پرسیدن هم از خود آدابی دارد که باید رعایت گردد. برخی از آن‌ها قرار ذیل است:

۱- باید احترام اهل علم رعایت گردد و در هنگام پرسیدن از واژه‌های مؤدبانه کار گرفته شود و از بی‌ادبی و کلمات فرد (چون خوبی، وقت داری، جوابم را بده، تو و...) پرهیز شود و با کلمات محترمانه (شما خوبید، وقت دارید، اگر جوابم را دهید ممنون خواهم شد و...) مورد خطاب قرار گیرد.

۲- سؤال باید درست، واضح و شفاف ارائه گردد تا پاسخ مطابق سؤال واقع گردد.

۳- از زیاده‌گویی، کنج‌کاوی در مورد شخصیت و زندگی سؤال‌شونده، پرسیدن سؤالات بیهوده که ارزش و اهمیت چندانی ندارد و... پرهیز شود.

۴- از مزاحمت و تحت فشار قرار دادن سؤال‌شونده، اجتناب ورزیده و اگر در جواب تأخیری صورت گرفت، از انتساب القاب زشتی چون مغرور، متکبر و... جدا خودداری شود.

هر کس در زندگی مشکلات و مشغولیت‌های خود را دارد؛ شاید وقتی شما پیام دادید یا سؤال‌تان را مطرح کردید، آن شخص درگیر مشکل یا امر دیگری بوده؛ پس باید درک شود.

۵- اگر سؤال‌شونده پاسخ سؤال را ندانست و عذری پیش کرد، باید پذیرفته شود و از تمسخر و استهزای او خودداری صورت گیرد؛ چون هیچ انسانی نیست که در مورد همه چیز بداند و چیزی از او پنهان نباشد.

۶- از ایجاد درگیری بین اهل علم؛ بدین ترتیب که سخن و فتوای یکی را به دیگری انتقال دادن و نظر او را در مورد این سخن و فتوا دانستن و... به خاطر چالش کشیدن و تشخیص جایگاه و مقام علمی آن شخص، پرهیز صورت گیرد.

◆ از که باید پرسیم؟

اگر یکی از ما دندان یا سرش درد کند، یا یکی از اعضای خانواده‌اش بیمار شود، تمام دکترهای شهر خود را بررسی می‌کند تا متخصص بهتری پیدا کند؛ حتی به شهرهای اطراف نیز سفر می‌کند و تماس می‌گیرد تا مطمئن شود؛ اما وقتی مسایل دینی پیش آید، بدون پرس و جو و تلاش درستی تا کسی را می‌بینیم که کلاه یا عمامه به سر دارد، از او سؤال می‌کنیم و برای‌مان مهم نیست که آیا این شخص علم چندانی دارد یا نه.

یک‌بار جوانی پیام داد که همسرش را از طریق موبایل طلاق داده بود و ادعا می‌کرد که من از یک عالم بزرگ این مسئله را پرسیدم و ایشان گفتند که طلاق واقع نمی‌شود.

وقتی شماره آن شخص را گرفتم، دیدم که فقط یک طلبه کلاس ابتدایی است و سرانجام مشخص شد که طلاق واقع شده است.

این داستان تحت عنوان «[طلاق شوخی‌بردار نیست](#)» منتشر شده است.

پس باید از چه کسی پرسیم؟

آیا همین که شخص کلاه یا عمامه داشت، اهل علم گفته می‌شود؟
آیا هر کسی که به او عالم دین و مولوی گفته شود، فرد مناسبی
برای پرسیدن است؟

باید گفت: خیر!

همان‌طور که به خاطر اهداف دنیوی مان دنبال بهترین متخصصان
می‌گردیم، باید به خاطر یادگیری دین و مسایل شرعی هم به
متخصصان واقعی مراجعه فرماییم.

سعی کنیم همیشه با عالمی اهل دانش و بینش ارتباط داشته باشیم و
در مورد امور دینی مان با او مشوره کنیم و از او طلب راهنمایی
نماییم.

از هم‌نشینی با عالم‌نماهای شکم‌پرست پرهیزیم و با علمای ربانی،
مخلص، پرهیزگار، زاهد و دلسوز مصاحبت نماییم و از آن‌ها علم
دین را بیاموزیم.

این فرموده رسول الله ﷺ را در نظر داشته مواظب باشیم که فرمودند:
 «إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبِضُ الْعِلْمَ أَنْتِزَاعًا يَنْتَزِعُهُ مِنَ الْعِبَادِ، وَلَكِنْ يَقْبِضُ الْعِلْمَ بِقَبْضِ الْعُلَمَاءِ، حَتَّى إِذَا لَمْ يُبْقِ عَالِمًا اتَّخَذَ النَّاسُ رُءُوسًا جُهَالًا، فَسُئِلُوا فَأَفْتَوْا بِغَيْرِ عِلْمٍ، فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا».

[صحیح البخاری: ۱۰۰]

«همانا خداوند علم را با برچیدن آن از میان مردم نمی گیرد؛ بلکه با گرفتن (و مرگ) علما، علم را می گیرد و برمی چیند تا آن گاه که عالمی را باقی نمی گذارد و مردم پیشوایان جاهلی برمی گزینند که از آن ها سؤال می شود و آنان بدون آگاهی فتوا می دهند؛ خود گمراهند و دیگران را نیز گمراه می کنند».

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وآله وصحبه أجمعین



از همین نویسندگان:

